

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشمان

نامه تفصیلی

هیچ حزب -  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

سال - شماره ۳۶

شنبه ۲ آذر ۱۳۲۴

تک شماره ۴۰۱

## ایران و همسایگان بزرگ

اوضاع و احوال همیشه در نظر گرفته شده است. رسیدن به هدف مشترک بدون بدوش متفقین، یعنی پیروزی نهایی همیشه یگانه آمل است ایرانی بوده و در مقابل نبل پان هر گذشتی و الازم شمرده است از این جهت تمام ناملایات را که ممکن نبود بگذرد غیر ایرانی قبول کند تحمل نمود. حال که به هدف نهایی رسیده ایم جایز نیست متفقین ما که در هر موقع فداکارهای مارا تصدیق نموده ستایش کرده اند پیش از این فشار بر ما رودارند.

دول بزرگ متفق هم چا عدی هستند که این جنگ را برابری نابود ساختن قدری کرده اند اینهمه گفته که داده اند و اینهمه شرر های مای و خرابی ها که متحمل شده اند برای آزادی بوده مامم در این گیرودار بیگانه و بی اثر نبوده فداکاری کرده ایم بنا بر این از این آشامش و آزادی ملای ما بیا به برخورداری کردیم قیاز هر درخواست تاضالی ما این است که چند صیاحی ما را با مورد داخلی خود آزاد بگذارد.

این تاضالی ما ناشی از درخواست نیست. درخواست شای نیست. حق مشروع و مسلم ماست اگر بنا داده شویم در لغات عبارات و تلقن های و لفظی قطع با همه و عهد بدنه و با هزاران اگر به جلو عقب عبارات یگانه در دو کداری این حق مشروع ما معاصمه و قصور روزند باید با عدای بلند فریاد کرد.

**دول بزرگ حق حیاتی برای ملل کوچک و ضعیف**  
قائل نیستند ما امروز شاید غیراز فریاد کردیم بگری نیتوانیم بکنیم ولی قطعاً فریاد ما بگری میفان و همدردان را نیز بعداً در آورده اوقت است که این فریادهای متجنج اثری خواهد داشت که روح بشریت را تکان خواهد داد و قطعاً همین موقع است که باید فریاد ما گوش فرادارند.

ایرانی میدانند که تمام بدبختیهای که امروز گریبانگیرش شده و تمام خرابی های که نیتوانه مرتفع کند ناشی از دخالت های نازوی املاح دوستان است والا اگر ما را قدری راحت بگذارند قطعاً توانای املاح دوستان خود را داشته و خواهیم توانست بر این مشکلات روزمره خود که بدست لایکسانی که بصرف نزدیکی بلان و نلان مغارتناعه را برای ما فراهم شده فائق آیم و دست جنایت کاران را که هر یک در پس پرده ای و بیوانی در امور ما اختلال میکند قطع نماییم.

این خیانت کاران و اضمی را ما خوب می شناسیم. ما خوب میدانیم چه کسانی موجب تیرگی اوضاع و باعث نگرانی و کمودرت همسایگان هستند ما خوب میدانیم تمام حق حیاتیهای آنان را کبفردهیم ولی اگر بنا چندین مرتبه ندهند.

شاید صلاح متفقین و همسایگان بزرگ ماست این باشد که ایرانی قوی و همسایه دوست و صمیمی وجود داشته باشند و نیتواند اینکه با نراد و زمامداران بدست شما هم ملی منافع هرود را محترم شمرده از ایجاد کوچک ترین سوء تفاهم جلوگیری نماید.

اوضاع کشور این روزها بسیار بحران آمیز است. اخبار عجیب و غریب از گوشه و کنار بگوش میرسد.

وقایع غلط آذربایجان را تهیه میدمی کند. این تهیه با تمل و غارت و نامنی جلوه گرفته اضطراب بی پایان در مردمان حساس ایرانی پدید آورده است. سلیقت با آینه شنیده میشود اختلاف فاش دارد. آن چها را میگویند غیر از آن چیزی است که هست و آنچه را که تاضالی می کنند غیر از آن است که می خوانند.

اخبار با شک و تردید تلقی میشود. هیچ خبری را نمیتوان با اطمینان صحیح دانست ولی چیزی که مسلم است این است که اوضاع آذربایجان وخیم است و بسیار مهوریم.

میگویند چون سرحدات ما بایز بودیم کنتری را در وقت و آمد مسافرین بوده اشخاص مختلف غیر ایرانی توانی شالی وارد شده و سمیت عده ما چرا و دست با ندادمانی که خلاف مصالح ملت و منسک است در آن فدا با اوضاع فعلی آذربایجان متبیر شده است.

ویاز شنیده میشود از قوییکه از تهران برای برقراری نظم و امنیت آذربایجان فرستاده شده در نزدیکی های قزوین جلوی گیری عمل آمده است و اطمینان از رسیدن قوای کبکی و سجاورین را چری تر کرده و دامنه اغتشاشی گسترده تر گردیده است.

مسامحت از حرکت قوای دولتی و جلوی گیری اطلاعات دولت با آنچه را سران مسدودت تهیه کرده اند منافی دارد. سران مسدودت بزرگ ربا و همداده انقول داده اند که ما را افلا در مورد داخلی خود آزاد بگذارد و از لفظ و انتقال قوای ما بنطاق منطقه کشورمان جلوی گیری نشاند.

مناظر و کهر چه را آنان خوانستند در وطن اخلاص ندم. نادانیه این حسن داریم متوقع باشیم آنها هم شهیدات خود و ناکنند. اذولیکه در داس بزرگترین دول جهان قرار گرفته اند البته عقاب نیست افلا فهای مبدرا انتظار داشت. درست است ما کشور ضعیف بودیم

در مقابل تاضالیهای آنان ناچار تسلیم بودیم ولی باید متوجه بود و دانست که ما کورگروانه تاضالیها را اجابت نکردیم بلکه فیهیبه و سنجیده قبول کردیم و از صمیم قلب هم امر نمودیم. حال در مقابل این گذشت و مدیونیت انتظار دوستی و کمک هم داریم.

اگر در آذربایجان ما اشتیاقی دوری داده امریست داخلی و متین سرروشت آن یا خود ماست دوستان و متفقین ما باید ما را آزاد بگذارند که امور داخلی خود را اداره کنیم زیرا اگر ما آفتقد قادر نیایم که حتی امور داخلی خود را نظمو ترتیبی بدیم چا که خواهیم توانست منافع آنان را نماند از ای که باستقلال و تمامیت ارضی ما لطمه وارد یازد حفظ کنیم. اگر بنا باشد روسها در شمال و انگلیسها در جنوب به بیجهز ما دخالت کنند این را نه و نای بیهی میتوان نام گذارند جوانمردی نه مردانگی.

در این موقع که کابینه ای مورد اعتماد مردم زمام امور منسک را بدست گرفته انتظار ما از متفقین از هر موقع بیشتر است. ویسی دولت فعلی سالیات امتنان وطن پرستی خود را داده و بکرات : ت کرده که صلاح منسک و حسن تفاهم دوستی کامل همسایگان و معترم میشاد در ویسی دولت فعلی دارای وجهه ملی و محبوبیت خاصی هستند و خصوم طیفات و افراد ایرانی بایشان ایسان و اعتماد تامی دارند و از اقدامات و نظریات ایشان بشیثایی کامل میشانند بنا بر این هر گونه مخالفت و کار شکنی از هر منسب و مقامی نسبت بیشرقت کار ایشان و متبیر باداره امور منسک به دست ایشان بشود دولتمکر ایرانی اثر و خاطره ناگوارای بیبای خواهد گذشت.

درست است با نحال در مقابل تالیات و تاضالیهای متفقین که فرمت بران ای ملت و منسک ایران هم بوده ایرانی کوچکترین مغایرتی بفرج ندادند و تمام اینگونه زبان های مادی و منوی را قبول کرده ولی در اینجا باید دانست که

نظری آقای آصف

آقای آصف نماینده کردستان در جلسه روز سه شنبه گذشته مجلس نظقی ایراد کرد که عیناً از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت

در جلسه ۳ شنبه گذشته بنده مستری بود و در محبت کسورب اطباء مجبور بودم چندی استراحت حکتم به این جهت در جلسه ۴ شنبه نتوانستم حضور پیدا کنم عصر همان روز در ضمن مطالعه مذاکرات مجلس مشاهده نمودم که چند نفر از همکاران محترم راجع با اخبار آژانس‌های خارجی در موضوع کردستان بیاناتی فرموده‌اند. از روی محبت در مجلس می‌توانم خود را سزاوار شستین این مطالب بگویم که انقلابی در آن تولید کرد که در ده‌های ماضی را فراموش کرد و در آن روزی که در دستران بر من وارد شده‌اند و از سیاهام در وقتان که انقلابی در آن تولید شده است من هم مطلب را با آنها گفته و روزنامه را در دستران گذاشته و جنبه‌اش شب ناگوار را بروز آوردم با وسفاست که از مقام ریاست عدم حضور در چند جلسه و ایرادهای مبالغه استجازه کرده بودم در مقابل این شایعات کاذب گفت و خواهم تا بیخیز شده ملاحظه فرمایم که مجلس با وجود در این خصوص شرحی بر من برسانم. بنده یقیناً بنده موضوع قابل اهمیت است و شایسته می‌باشد که توجه آقایان را به بیانات ذکر منصف دارم و تا رنجی که را هم در آن نمی‌بینم؛ شایسته تا این شایعات راجع بکردستان که در بدین‌المان جنک پانزده شده با شایعات مشابه آن در خانه جنک بین‌المللی اول مردان را در جهت تبعیض و محبت نگارند زیرا در آن موقع هم همین انتقاص‌ها را داشتیم و چند نفر از همکاران هم در آن وقت در مجلس بودند یکی خود آقای رئیس است درست با نظار دارم در زمینه محرم مستوفی الملک رساله‌ای علیه (من می‌خوانم واجب میدانم هر وقت نام آن مرد بر من برست شریف بر زبان جاری شود جمله رساله علیه را بگویم) (صحیح است) دورین مرحومین نصرت‌الله و سلیمان میرزا مبارزه‌های پارلمانی بود (بزرگ کردار در رساله علیه) به رساله علیه علیها شاهراده سلیمان میرزا جزو اکثریتی بود که دولت را روی کار آورده بود نصرت‌الله که در اولت بود در ضمن انتقاد اسیاسات دولت بخبروزنامه خارجی که حاوی نقشه تجزیه و استقلال کردستان بود در دست داشت آنرا عنوان وسیله حمله بدولت وقت کرد داد البته بعد از آنکه کراتی در میان بود شاهراده در دولت شنبه از موقع استفاده کردم و از جناب آقای پیرینا که ریاست مجلس را بر عهده داشته اجازه خواستم و عرض کردم دو صوفی اخلاقی خورده حساب خود را سرچو بسایر اسرار تفریح مینمایند حق و اولی این است که بنده اجازه فرمایند در اینخصوص اظهار نظر و عقیده

بنام هم‌مذاقت کردند و در ضمن شرح مفصلاً که بنده راجع بوضع سابقه ایراد و خدمات رجال برجسته کرد با بر این بیان نمودم امس از خود مستوفی بر دم زیرا والده ما جده ایشان کرد و در پیش آن با ذکر دلایل زیاد آن شایعات را تکذیب نمودم خوشبختانه صورت مجلس آن روز البته در تنه تومی با یکسانی است مشاهده عرایض بنده است تاریخ ۲۵ سال قبل که در جنک نشان داد که جامه کرد هلا بیانات مرا تأیید نمودند و ثابت شد که اظهارات من انکساک افکار و آمال قلبی فرود کرده‌ایم ایرانی می‌باشد اکنون نیز در خانه جنک اخیر موضوع تجدید مطلق شده و همان نشه شنیده می‌شود. آقایان محترم بجزایر ملاحظه دارند که در سال گذشته بنده استیضاح در کابینه آقای ساعد در این زمینه فی الجمله اظهاراتی نمودم که از نظر مجلس مجبورم نکات بیشتری بر آن تذکرات بی‌زایم؛

از همان روز هائی که دسته دسته طوایف آزادی‌یمنی اجزاده‌های سرزمین کرد است با هم‌مذاقت از آن طوایف بودند که خاک فملی کردستان و نواحی اطراف آنرا مسکن خود ساخته و رسوم و آداب ایرانی خود را در این سرزمین رواج دادند امیر شهبازی این قسمت از دو هزار و پانصد سال با اینطرف مهبط ابرایت بوده و مذاق جدی مرز و بوم ایران باستان و تمدن و فرهنگ ایرانی بوده اند (صحیح است) هر وجه این خاک یادگار دلاوری و ازجان گذشتگی هزاران دایر کرد است که مناجوزی و زینت با زور و نیروی ایمنی بجای خود می‌نشانند و نامید و انتخار قومی خود را حفظ می‌کردند و برای حای فملی باساکتین بنده است از ایران زاده این شده‌اند و باز ساکنان نیاکان بر افتخار این می‌باشند (صحیح است) که از جناب آصف جوادانی خود میدانه (صحیح است) تاریخ نشان می‌دهد که در این نقطه از ایران عساکری که بوی جدائی از آن بیاید روی داده باشد و اگر هم وقایع زوری داده سر قباچه داخلی داشته‌بود برای این بود که پیش و بیشتر توانسته‌بودند بزرگ ملی یعنی حفظ حدود نگاهداری ترک‌ها باستانی را با پاندم رسانند. امروز نیز با آقایان محترم عرض مینمایم که گذشت زمان این‌ها شعله‌ور شده و ادب‌های کاتبین کردستان غمناک شده است و اگر بواسطه بی مهری‌های خودی خاکستری بر آن فروزان احساس خطر خارجی آنرا فروزان تر

تاب ناگزیر بوده است پیش است دولت درصدد تحقیق سرچشمه این اخبار نادرست برآید و در مجلس توضیح دهد زیرا شایسته نیست که موضوع عای حیاتی با بزرگی اغراض غمخوس کردد. این سخن انکار مطربه و هرجب باید در میان متفکرین و دانشمندان و اشخاص مؤثر پیدا شود تا مشر شر و قایده گردد. من یکی از افراد خانواده قدسی کرد ساکن سنندج هستم ناینده کردستان ایران و بخصوص ناینده چهارمحال بختاچی با صده هزار نفر شهری و عشایر سنندج و اطراف می‌باشم بی‌یرت می‌توانم این شایعات را تکذیب نموده (صحیح است) و اظهار بدارم که در میان آنها چنین افکار مسمومی بهیچوجه وجود نداشته (صحیح است) و کردستان که کردستان را با زوری راست ایران عزیز میدانه (صحیح است) از این قبیل اتهامات مبرا بوده و با ترتیب ۱۵ میلیون جمعیت ایرانی که بنا به امر ترک فارس و هرک از این‌ها و خاک استفاده مینمایند بر اژدرار زندگی نموده و می‌باشند که جدائی بین خود نمیبینند از موقع استفاده کرده و متضانی می‌باشند که با مسلمانان که در ایران جنک متحمل شده‌اند برض رسامان در دیالقه بت فوق نیز با بیخیزا کشیده می‌شود. سیاست جنگی و نکات استراتژیکی در اوایل جنک یعنی دوام شهر لول ۱۳۲۰ متفقین ایران و اوردار نموده کشور هائی با بران داخل نماینده ملت ایران پس از اینکه از مقاصد متفقین مطلق شده دریافت که فقط مقتضیات و احتیاجات جنگی آنها را و اوردار چنین علی نموده که عسومت دست دوستی بیوشان دراز کرد و در مبارزه که با آخرین زور و دیکتاتوری در گرفته بود در صوف مجاهدین آزادی گرفت و اگر یک فرد ایرانی رسبا در شمول طایفه حضور داشته‌بود ولی در راه هدف متفقین از آنچه که در توانائی داشت کوشائی نمود. (نمایندگان - صحیح است) تا جدائی که ایران بیخ شایستگی نام بر افتخار بل بی‌زوری را پیدا کرده (نمایندگان - صحیح است) و واقعا مصداق رنج خود و رامت باران غالب گردید و اگر غیر از این بود ممکن بود بواسطه دیر رسیدن مسلمان بجهاد ایمن جنک سر نوشت قبا تغییر با یافته‌باشد و با شکست دشمن با متفقین بینمنازاد. (صحیح است) مشی و باطلا در ابتدای همکاری با متفقین بر طبق عهد می‌توانه و مقررات همین پیمان بعد ما بوسیله اعلامی انجمن تهران تأیید و مسامی ایران بی‌زوری بی‌زوری شوده شد ملت ایران دار و نادر خود در راه آزادی کرد که دست گذاشت و خوشبختانه خیالی زود تر از موعه احتمالی لطفه غایب بر دشمن فرساید وصف متفقین بود که اختراع تنگ نالی کردید و دومین جناب ایمن با نایان با نایان زور و پادشاه فراسیده ملت ایران انتظار داشت همان شک که در تحمل مطالب و گرفتاری‌های زمان جنک سلیطت فرسا بر همه‌ی‌ها داشت از شرم بی‌زوری نیز بهر مناسبتی داشته باشد خصوما که وفای بهمان از خمیاس مردان بر طرف‌کلام است (صحیح است) و ما نیز بی‌زوری که پیشوایان ملل متفق ایران داشته و بوعده آنها ایما و یار بودیم سران بزرگ متفق خود است با این ضرب الشل ایرانی که می‌گوید: یک سوزن بیک سوزن بود و یک جواله بوزور بیکران توچه‌رمانند و تصدیق کنند که در دین سرزای بیکانه ولی دوست و متفق باشد برای دشمن وطن پرستی تا ناگوار است (صحیح است) غصوما از احوال اداره کشور نیز در چهارموت نکاتکی شده ایم اولین قدم‌های متفقین این است که هر چه زود تر قبیل از موعه مقرر بوعده خود و در نسبتی (صحیح است) البته اگر قوای متفقین زودتر از کشو مایرسلت رفتند و خاطر موقش از دوستی خود در دل هائی می‌ماند که داشته‌بود برای ما سرسورت‌دادن بکارهای داخلی خیلی سهل و ساده تر از امر خود خواهد بود. من خصوصاً از یک فراز از کتبه‌های اخیر مشران است و نعت وزیر انگلستان را در سنای آمریکا که می‌گوید: ما هرگز نغاهیم. تو است کشور خود را تبدیل بفرسوس برین نموده‌بودی در خارج از کشور بکار خود گذاریم. (صحیح است) نه از آن جهت که کمال ادب عرض می‌کنم جنب‌استی اثنی رئیس جمهور وقت آمریکا بریتانیای کبیر ما از دولت پادشاهی انگلستان ودول اتحادیه‌های شوروی و امریکا دولت های دوست و متفق مطلق نمود که برای آزادی ایران. کوچک آن همه کوشیده انتظار داریم که بنا بوعده خودتان نسبت با بران بیشتر از اینها مساعدت‌هایی که مطابق آمال قلبی ایرانیان است (صحیح است) وما را بپخال خود بگذاردیم بقیه در صفحه ۶



## نطق آقای صدرقاسمی

«آقای صدرقاسمی نایبند مه‌ماهد نطقی شرح ذیل روز سه شنبه گذشته راجع به گردستن در مجلس شورای ملی ایراد نمودند»

سلطان و اربح‌بند مذهب اولوالامر و واجب‌الاطاعه میدانند و بنا بر تشریح مذهب فوق‌العاده بنام سلطنت‌علاقته میباشند هیچوقت ممکن نیست از عقیده خود روزگرددان شوند و برخلاف آن عمل کنند همین آقایان که میگویند مسأله ساریت کرده‌اند کسانی هستند که باوها امتعنان خدمتگداری و وطن پرستی داده اند و بگویند خود نیز تا اکنون غمگین کردنتین میباشند اما در بهتر و آراستار و امن تر از سایر جاهان نگاهداشته اند غالب این آقایان هر وقت دولت خواست یک افسار و تلگرافی از خانه زندگنی و کلار و کسب خود دست کشیده بهنران آمده و از آقایان انصاف میطلبند منشی سرد این است و باهمین گردن این قبیل عناصر خدمتگزار و بی‌غیبتان میبیند و بیشتر به اثرات و امتیازات سوسی در روحیات آنها باقی میگذارد این رویه خوب نیست تعجب خواهد کرد اگر بگویند موفقی که با رسال همین آقایان دوطهران بودند پشت سرهم گزارش می‌تواند تلگرافی بهنران میرسد که آقایان در محل مشغول آن تریک و دوسیه بازی هستند و کسی بیاید نشد بازخواست کند و بگویند آقایان چند ماه است طهران هستند هنوز از این گزارش‌های خلاف واقع چیست بنده عقیده دارم آقایان ما مومنین دولتی ارباب‌جرا به موصوعا باید مراقبت و توجه بر فرمایند که کاری نکنند که قلوب را جریحه دار آید و با اظهارات خلاف واقع و با توجه گزارش‌های مغرضانه موجب دلسرپی بکنست از سکنه کشور و آفرام سازنده ملت همه آقایان شنیده اند که ضمن اشارات راجع به مسأله ساریت سخن آخری بعضی ها گفته اند که چند کاپیور رساله خود آورده یعنی دیگر همه ماشین تحریر و کتف کتف حتی بر شی مذهب بودند که خود با چشم دیده اند اولاً باید عرض کنم که اسامه در میان افراد هست و احتیاج به نوشتن از برک خوار نیست تا آنجا که بنا بود دیگران اسامه بگردند بعد از آنکه لایق فرزند شریک در این ترتیبات کجاست انظار را بکنند دیو مگر با ک تعظیفات او و وسیله نیست که اسامه را معرفیان در محراب تجویب بکنند بعد از هینظرو آوردن ماشین تحریر و کتف و اجزه اسرار سیاسی فله‌اند تا بد این افکار سخفانه باید بگویند از منظر اشخاص تراوش میکند که کوچکترین سن و وطن پرستی و ابرایت دارد نیست بلکه اشخاص پستی هستند که صرفه و صلاح خود را در این بینند که مبدائی بدست آورد و پستیهای اختیار جان و مال و ناموس مردم بشوند کسانی که گرد را در خلاف واقع مردمان میفایده بگویند و مملکت مغرضی میکنند را محط مریون و معلوم نیست خودشان با کجاها سرورس دارند بنده بطور صریح عرض میکنم کرد ایرانی بولان خود علاقه مند نباشند که درها مردمان شرع و وطن پرست و با غیرت هستند (صحیح است) هر قدر از طرف اولیای دولت مورد بی مهری یا بی اعتنائی شونده‌اند عقیده و علاقه خودشان با ایران منظر نظر نیست ولی این شایعاتی که در اطراف جریان دارد برین ترتیب آنها میگرد شایده مقصود مغرضین هم همین باشد که باین وسیله آنها را از دولت مایوس نمایند و در حمال بنده توجه میکنم دولت را و برایش خود جلب و تراضی میکند اولاً بفرمایند اشخاص بی عرض و مغرضان خود را که باها ها را روشن بر فرمایند تا ناپا در استیجاب مامورین و اشخاصی که پس برستی نواسی کردنتین میروند دقت کافی بشود تا اگر تراضی و موافق نتایج سوء استیجاب مامورین لایق و مغرضان خود را که بنده توجه رئیس محترم دولت را با این واقع فرهنگی و بهادری شهرستان میباباد که مردان این که کلماتی واقع شده است جلب میباشم شهرستان مذکور نه فرحنامه صادر و نه بهادری دارم

امیدوارم فرهنگ بهادرتان شهرستان را مورد عنایت مخصوص قرار دهاند چون بنده می بینم فقط در مواردی که تمث های میزند اسس از مهاباد بهادری میشود و الا در بوجهی مخصوص در موفقی که از فرهنگ و بهادری میگوید متأسفانه متأسفانه مهاباد کوچک است و اصلاً محلی از اعراب ندارد ولی موقع تمث زدن تمث‌های خیلی بزرگ با آنها میزند که از وصف و قدرت آنجا خارج است

آقایان و شخصی آقای حکیمی نخست وزیر را بیاره ای جریباتی که برخلاف مصالح عموم می شود متوجه سازمان تا شاهانه برای جلوگیری آن اقدام موثری نفرمایند یکی که مسأله ای که باعث فراق و کدورت بین افراد جامعه میشود ایجاد بدگمانی آنها میکند بگردد مسأله مخصوصاً وقتی باره اشخاص اعم از مقامات رسمی و سایر رسمی اصرار داشته باشند که مقامات عالی کشور با حرف‌های خالی از حقیقت نسبت به طبقات دیگر طعنه کنند تا شاید بتوانند از این آب گل آلود بخیال خودهای بکنند بنده بسط مقال را درین مورد در لایحه نامم آید و فقط آنچه را که کمربوط بوزعمنا تعضای بنده است عرض میکنم از بی‌ارسلان باین طرف گزارش‌های صحیبه بر علیه سایر مدیران بزرگ دادند که خوشبختانه پس از تحقیق هیچیک از آنها حقیقت پیدا نکرد و بهترین دلیل همین است که وضیعت فملی منقظه کرد لئین بحال سابق باقی است و از آنچه نسبت داده بودند از روی ظاهر نشد این را عرض قیلا عرض کنم که مقصود بنده این نیست که در بین عقاید کرد اشخاص شرور پیدا نشود در هر کشور و در هر جمیع مردمان یک مدمن هستند و بطور کلی نباید بد منقظه می کشور و با شریک چند نفر مغرض یا بد خواه از دولت مایوس نبودند و از شدت از شهر یو ۱۳۲۰ تا بحال چندین مرتبه روسای عقاید کرد و قهره و گسبان دیگر حتی از گسبانان رسمی دولت مسافرتهای کرده و پس از چند روز توقف و مشاهده ترتیبات عمل و مؤسسات فرهنگی همسایه‌های دوست و متفق مراجعت کردند بدون اشخاص کوچکترین تیریری در روحیات این اشخاص با درجه وطن پرستی آنها حاصل شده باشد اخیراً هم شایع شده که عده ای مسافرتی نوبه بنده هنوز از اطلاع صحیحی از صحت و سقم آن ندانم همین قدر در روزنامه‌ها دیدم که آقایان صدرقاسمی خود را تکذیب کرده اند متعسفانه ملاحظه فرمودند که باین مسأله بی اساسی چه بپایه‌ها بسته وجه نسبت های دروغ با آب و تاب بآن داده‌اند لاکنند که کردها اجیبی کردها تجزیه خود تشکیل داده اند که ک که یعنی کومه گونیست کرد است علامت آن اولاً این علامت کومه گنیث کرد است یعنی انجمن جوانان کرد تا نیا مرکز این انجمن دو عراق است و ابتدا یکصد هائی ایران مربوط نیست و چنانچه آدمهای آنها با بایران بیبایند و مراده کندنصور نیستنقیباً تا نیا عتد شش بر کرد ایرانی اند که کردها باشند و نیز انتشار داده اند در مهاباد اطلاع حضرت شاه و ازادادوات برداشته اند او را هم مبداءت کردها

گویا بنده خود داشته باشم از مجلس از آقایان محترم این که را کرده باشم که بجزوه تضایفه بنده یک خلاصی نمودم اگر بنده ساکت بنام اعتراض فرمایند که چرا بنایند اش ساکت بوده است وقتی میخوامم یک مطالبی را عرض آقایان برسانم تا نوبت بنده میرسد سداها بنده می شود دستور (مجلس) داده است (بر فرمایند) آقایان بنده تضایفه این است که آقایان نسبت به بنده یک لطف و توجه بیشتری داشته باشند چون اگر غیر این باشد آن وقت حمل میشود که خدای ناگفته نسبت بنده که کلمه نایبند محلی هستند و از گوشه کشور آدم‌ها را بنده تفریضی در مجلس ندارم آن وقت آقایان این تفریضی بنده استند باین استدباری ایضا این طور نیست بر فرمایند (تا) عرض کنم بنده یک مطالبی را اینجا استخرج کردم میخواستم در اطراف ایران اوجوبی که این روزها در افوا شایع بود بر عرض مجلس شورای ملی برسانم متأسفانه درجلسه امروز هم یک اشخاص را یکی از سخنران محترم بنده خود خدودت عیالوت از این بود که همکار محترم بنده خیال کرده که بنده اشخاصی میگویند چرا که روزنامه‌ها اعتراض را در بیاوریم پاریس را نوشته اند در حالیکه این اشخاص و بنده نکردم عرض بنده نامی بود که این شایعات تفریضی از جناب مرکز هست که بدون تحقیق مطالبی میرویند و روزنامه‌ها و رادیوهای خارجی مطالب و اخبار را میگیرند و روزنامه‌ها منتشر میکنند بنده اعتراض این بودخالا هم عقیده ام این است بنده محرم این است که مطالب را با پیشین خودمان بنده بنده تغییر بدیم مطالبی که برخلاف مصالح کشور است این‌ها را نباید اجازه بدیم که در روزنامه‌ها نوشته شود چون بنده که چنان تر اخباری هر دور هم بنشینند و یک خواب‌های بیبنند که از آنها اطلاع دارد کسی از آنها اطلاع ندارد بنده بنده در اطراف این مسائل خودمان یک چیزهای ناریش نیست و شایع و برگی بدیم و این را بیرویند و روزنامه‌ها میگرد منتشر میکنند آن وقت انتظار داشته باشیم اینها رادیوهای خارجی بگویند (صحیح است) این بود که بنده عرض کردم و الا بنده جبارتی نکردم و کلام بنده بیطرف هستم بنده یک شخصی هستم که جناب صلاح کشور نظری ندارم بنده البته استیجاب خودم را داده ام و شاید در بین آقایان روزها هم باشند که از نزدیک بوضیعت بنده آشنا هستند و لزومی ندارد که بنده در اطراف خود توضیحاتی بدیم بنده موقع را منتظم می شمارم که حاضر محترم

## کودکستان سندج

### ایجاد و بقایباید بر پایه علاقه و رغبت باشد

عده ای از جوانان روشن فکر - کودکانی که فعلا برای تحصیل ممتنع تهران هستند خواهاده هایشان در سندج سکونت دارند علاوه بر مفرطی تشکیل کودکستانی در شهر سندج ابراز میدارند و چنان با علاقه این موضوع را تبلیغ میکنند که واقعا قابل ستایش است.

اینان که اکنون مسراصل تحصیلات عالی را میپسینند و به میزان اهمیت لزوم تربیت اولیه و انفا شده اند و بدیر خلاف کسانی که هنوز از شهر های کوچک با - بیرون تنهاده اند و با همان افکار کینه که میولند تحصیل بدرد نیخورند یا کودکستان و مدرسه بچه را بدخلال میکنند یا مکتب از مدرسه های جدید بهتر است و انواع آن با زندگی قرن پیشتر ترفیق میبرند - العقول دنیا دست بگریزانند میدانند که تحصیل علم و تربیت اول بهتر است - مریه است که ممکن است بدربرای فرزند بجای بگذارد.

برای درك این موضوع لازم نیست خیلی دور برویم لازم نیست اتمتله و اهواهی از چند صد سال پیش یاوریم فیالی امروز را بشکریم و قدری فکر کنیم - بدون مقدمه ممکن است مملکتی گردد که وقایع و جنگهای کرده که به يك چشم بهم زدن متحول ترین اشخاص بیچاره ترین اشخاص گردد - این شخص تروتنه که روز قبل از این اتفاقات از خوشبخت ترین اشخاص بودی یا ازترین مردم بود و امیدواری فوق العاده ای بشورت خود داشت چنین روزگاری را حتی در خواب هم نمیدید هیچ ممکن نبود فکر کند با این ثروت سرشار ممکن است روزی بنان شب محتاج باشد - نه او این تصور ها و اندیکردلیکه بشورت خود انکلی جیبی داشت و گمان نمیکرد اگر دلیا هم زبیر خود بود این این ثروت او را از هر پایه و خطری نجات خواهد داد.

امروز می بینیم ثروت و دارایی قابل اعتدال نیست چند صباحی ممکن است و - شمس پشیمان و وسیله بسیار معشن و - زوروشنی باشد ولی اورتالی هم ممکن است پیش بیاید که همان موجب چپاگرگی و درماندگی انسان شده و حتی سر او را هم بقتل بماند.

ثروتی با پول و قابل اعتدال است که در نهاد شخصی لطفه باشد ثروتی قابل اطمینان و انکاه است که بچود مردم از انسان جدا شدنی نباشد آن ثروت نه پول است نه ملک است نه عواهد است نه لیاقت نامرگران بها و بلکه آن چیزی است که باید دو گنجینه منزه نماند آن علم و دانش است آن تربیت فهم و شعور است بنابراین پدر اگر فرزندی خود علاقه

## اوضاع وطن از نظر

### جوهری

و ادین کردانی اطرائی شمال مردها بون یازقانون، طالبی مهر و ولای بیگانه بون عاشق و مغفونی هوش و هوشه و گمانه بون داخورا اس بیست با خلگکی تابی اساه بون چاکه تی فکرین له احوالی وطن بوجی و ویران بوه مالی وطن عتلی اصلی نفاق و اختلافی ملته باغی ام اختلافات گروانی ملته ام هسو بدبخته ناشی له لانی ملته چاریم ناچاره باز اتلاقی ملته ات لته جرکم له وس ام ملته کتکه برکم له وس ام ملته ام دلی اوستیه و مماله به جوره و مستبده اولی ام شیبیه و یوسب و رضه مستند امدلی اوشاله و مماله به جوره و مستبده اولی ام شیبیه و یوسب و رضه مستند داداهس احوالی جهالی وطن داده س اصحابی عالی وطن پیشوا کاتمان دکهر بکله بوعی اجتهاد ام دکالو اجتناب و اودسکالم اقتاد ام ددانست به کرداری اوی تراو نداد او دکا نیت به کفترای اوی تراستاد زارو بیزارم له بیگاری وطن همدمی عاوم له بیباری وطن ام دلی من باده نوشم باقه سرشار دجوم ام دلی من طالبی بادم فریبی یار دجوم ام دلی من حزیم و برتیل له اونیقار دجوم ام دلی من خادهم و استی و بار دجوم ام گراف رام خزانة نه چه باغی ام اختلافات نه چه تا اهل ایران بیکدل و یکسان نه بن تابی امری خندا و بیروی قرآن نه بن تا له حزبی مسلین و حلقه مردان نه بن تا مطعی دولت امری اولوالامران نه بن مشکله ام دوده درمانی بی زحمت ام هجره بابائی بی

### جوهری -

اوضاع بدعده موتمنی و ظاهری و بی دوام است ولی آنچه از علاقه مردم پایه گذار نشاید قابل دوام و مایه امید است در همین موضوع اگر فکندزی باشد و توی سر مردم بونه از ترس همه کتک میکنند بولم می دهند بچه هایشان را هم بکودکستان خواهند فرستاد ولی هینکه آن زور از میان رفت و لو اینکه مردم فرستان بچه را بکودکستان خوب بداندت همان ششاهای وارد شده قتل بگانه وسیله خواهند که دیگر بچه ها بکودکستان فرستاده نشوند در این مورد هیرامته زیاد است : خانه های روستائی ما از ندران متحده اشکل نونون لباسی - کشف عجاب و ... اینها چون بازود عملی شده پس از مرتفع شدن عامل و فشار بنالی اول رجعت کرد : خانه های روستائی ویران شد مردم بیلباهی سابق در آمدند ، چادر و چاشخور رواج یافت ...

پس باید قبول کرد که در پیشرفت هر کار علاقه و رغبت مردم لازم است حال دربار کودکستان سندج نیدانم این علاقه و رغبت هست یانه و نیدانم پس از خواندن این نوشته و توجه بنگت لازم آن چنین علاقه و رغبتی ممکن است ایجاد شود یانه باندست فرود وید پیشوایان و آن هادیکه فرزند را از ایم بهتر دوست میدارند چه عقیده دارن و چه خواهند کرد.

آورد - من دو همه جا و دو کلیه شتون اجتهای متقدم که اساس کار بدست خود مردم است اگر ناحیهای ویران است دروجه اول خود مردم آن مسئولند اگر دزدی رواج دارد در مرتبه اول مقصر مردم - آنجا هستند اگر فرهنگ ندارند خودتصمیر کارنه اساس پیشرفت کار ها علاقه و رغبت مردم است و زور و فشار اگر هم تغییر در



بم آتای محمد مردوخ (آب تاش کردستان)

## گردوگردستان

—۳۴—

سنه اردلان

### «حکومت خانه باهای بابان»

پس از فرار علیقلی خان اردلان، در سنه ۱۱۳۲ هجری خانه باهای بابان ولایت کردستان را متصرف شده از کرکوک تا ناصه‌دان را بی‌حیثه اقتدار خود در آورده با اهالی بطریق عدل و داد و عدالت مهربانی معامله کرده است. باینجهت اهالی در زمان حکمرانی اولهبات آسایش را داشته‌اند مسجد و مدرسه بزرگی هم در قریب جوار قلعه حکومتی برپا نموده و متاعه عیالی مرتضی برای اذان در آن مسجد قرار داده است. این مسجد و بنای هفت یکصد سال در کردستان باقی بوده بعد امان‌الله خان بزوه والی کردستان از لفظه نظریات قومیت و تصعب ایلیت آن مسجد را خراب و متاعه را ازبای فرآورده و در سنه ۱۱۳۶ هجری باغ فردوسی را احداث نموده است. که حالا باغ هم بکلی ویران شده و جیدان حد قشوی گشته همه خلاصه خانه باشامدت چهارساله در کردستان حکومت کرده و در سنه ۱۱۳۶ هجری علیخان پسر خود را به حکومت سنه درجا گذاشته. و خود پنجاب ملک بابان مراجعت کرده است. در این تاریخ سرتاسر ایران را هرج و مرج و آشوب و اغلاب فرا گرفته خصوصاً منطقه شمال غرب که میدان تاخت و تاز باهایان هسانی بوده است از یکطرف احد پاشای بابان حمله بکرمناشاه و همدان و یروجرده و ناپلوه برده آن سالک و غارت و تصرف نموده است. از طرف آذربایجان و روسیه سرتاسر همدان و آذربایجان و غیره را تا خسته بشرف در آورده است سائر قاطرا هم روس و افغان متصرف شده‌اند.

### «حکومت علیخان بابان»

پس از مراجعت شاه باحیثیت بابان در سنه ۱۱۳۶ هجری علیخان پسرش بر سر منته حکومت اردلان استقرار یافت. این جوان نورسیده با وجود حماقت سن و شرفان شباهت ادای خلق کریم و لطف عیب و کردار بدین و گفتار شیرین بسوده بیشتر از وقت خود را در صحبت علماء و ادبای و اهل معرفت بسر برده است مدت شش سال با کمال مهر و معیت و اهلیت دو کردستان حکمرانی کرده است.

در سنه ۱۱۴۲ هجری آوازه قدرت و شوکت نادر شاه افشار که در آن هنگام سپهسالار شاه طهماسب ثانی ملوی پسر شاه سلطان حسین بود و او را طهماسب ثانی می‌گفتند آنه در جمیع اقطار ایران انتشار پیدا کرده و شهرت می‌دهتند که هازم کرمناشاه و همدان و کردستان است.

علیخان بابان هم که احساسات اهالی کردستان را متقابل بدولت ایران می‌بینید، بدون جدال و نزاع کردستان را بدو رفته بولایت بسایان مراجعت می‌نماید. اهالی لورا شرح تمیزی را بدربار شاه طهماسب مغوی معروض داشته تصویب طهماسب‌قلی خان و نادر شاه، عیاضقلی خان اردلان سابق بحکومت کردستان منتهی و سراسر افراغ و جیراغ اردلان باردیگر نروان می‌کردند.

### «حکومت عیاضقلی خان اردلان نوبت ثانی»

پس از مراجعت طهماسب خان بابان - بست کرکوک - در سنه ۱۱۴۲ هجری عیاضقلی خان اردلان از طرف شاه طهماسب ثانی مغوی تصویب طهماسب‌قلی خان سپهسالار «نادر شاه» بحکومت کردستان مقرر و روانه گردیده طولی نیکند از دار ندرت می‌گذرد و پس او سبجانوردی خان بجای او می‌نشیند.

### «حکومت سبجانوردیخان اردلان»

پس از فوت عیاضقلی خان اردلان، در سنه ۱۱۴۳ هجری

### پیشینان و توبانه

پیشینان گفته‌اند

- کاله کاکل بریا، باگرک ای غوات یادزای وات کار که از گاکول جدا شد باکرک می‌درد یادزمی برد
- برسیان لغوی له کوه بوه تیت و تی له حمام.

### وتیان «پاره وه دوک تا»

از روپا برسیدنه از کبا می‌آمی گت از حمام گفته از دمت پیداست.

- براله پشت برایی، مگر باکی له خوایی. برادر اتکه بربرادر داشته باشد مگر آزخدا برسد.

- تانیجی وطن کرویشک وطن آگریت. شتال بیسه مازندران. لکبردر جر سک مازندروانی

- منستکه جیگی خوی سکنینه سک درخانه ماسپش شیر است

- اگردر فگم خوش بوایه. به - ری قبری باوکی خودمو آگریام.

اگر صدایم خوب بود سر فیر بابام گریه می‌کردم.

- هه ری بوسنه آجیت

هه راه منستجه می‌برد

- جیگی سر بگره خوی چو بی اکتاو

جای سر را باز کن خودت جای بار ما هم باز می‌کنه این ضرب‌النس از میان ضرب‌النس های ازسانی آتای داود ایران دوست (از رواسر) انتخاب و ترجمه شده‌است.

سبجانوردیخان پسرش بر سر منته حکومت می‌نشیند.

سبجانوردیخان مردی برهیز کار و عادل و با اهالی کردستان موضع ایلیت و همدیگری سلوک می‌کرده. غالب اوقات را در صحبت مرحوم جمال‌الدین پسر شیخ عبید المؤمن اول (علیچو مولف) که در مسجد غایه باشا غلیب و امام جمعه و مدرس بوده پسر برده است حساب و وسایل را از نو و تصحیل کرده است.

در سنه ۱۱۴۴ هجری آتای شهر، و تعمیر دار - ایالاته اعتمادات کلانیه می‌پذیرد داشته در ۲۸ محرم ۱۱۴۴ سبجانوردیخان با ایل اردلان مأمور طهران شد و در همانسال مراجعت کرده است.

سپس در تاریخ ۱۱۴۲ هجری نادر شاه بزم تسخیر شیروان از اهلان حرکت کرده در ۱۶ صفر همان سال وارد سنه ۱۱۴۳ شده است.

دوتالار رو و بتوله بینی تالار ووهی حال ماوت حکومتی جلوس می‌فرمایند. تالار مذکور بیست دوغ طول و ده ذرع عرض داشته دوکله تالار نادر شاه نشسته و بار عام داده است. و سبجانوردیخان

سبجانوردیخان در بیان تالار ایستاده بوده نادر شاه می‌گوید:

سبجانوردیخان ما نیامده‌ام جای ترا نصب کنی تالار عیالی بزرگ است ما در این سنت ماضلت می‌کنیم ششام در آن سنت حکومت کنی.

سبجانوردیخان بشکره این مکرمت چهارده روز من روغن و هزار تومان وجه نقد تقدیم می‌کنند.

نادر شاه از کردستان پنجاب خراسان و هرات حرکت کرده ابدمنان پسر سبجانوردیخان هم بجایم از وریش سیدان و اعظم کردستان که از آن جمله اشودری بیگ و حسن بیگ (پراسکندری) بوده‌اند بابایانده سوار زبده در روکتاب ظفر تاشاب حرکت می‌کنند.

نادر شاه پس از تاجگذاری در معمرای منار در شوال ۱۱۴۸ سبجانوردیخان را در تنبیه شکایت اهالی مزبول و مصطفی‌خان برادر او را بحکومت کردستان منسوب می‌نماید.

مدت حکومت سبجانوردیخان در بیان نوبت اول بنجسال و بیست ماه بوده‌است

بفلم آفای هوشنگ سهرابی

### جانبازی در راه فرهنگ

مهاضرت که بنات و جمادات و کوآب بزرگ و کوچک مرتباً ازجبت و حجب مرتبیزیر و تدبیل بوده و آبی اشکرت و تکامل باز میباشند انسان یزکس بعضی اشرف مخلوقات میمانند بیروی از این قانون کلی طبیعت نبوده غنوه نلخواه بسوی کمال پیشرفت و هرروز هرساعت و هردقیقه چیزهای نویی کسب مینماید . شام اقبال و گنارواندیشه و هنردانش مردم تابع منصفیات زمان و مکان بوده علامه گام های بشری نمیداد با نوری باین نیک سگند صبر شود پیش میبود و هرآینه پاکدامنی اجتمعی بخواهد ازاین روش همگسانی و طبیعی منصرف گردند که تنها منکوب و مهور و نابود خواهند شد باهمای مرتجع و جاهل و روشی و پوسیده نایمده میشود هرملت گروهی سعی میکنند استخوانی تنگهای قرن پیش را از خود دور ساخته و علم و دانش و فضیلت بگردد چنانچه شش سال جنگ خاناماسوز و هوانک بیانی لالی که متذودود خاکسرتش و در راه های استیلیگراد و بران و روش بلند است ثابت کرد علاوه برجسمیات و رشادت و فوت قلب برای پیروزی روحانی و تار و پودار کردن بیروی خصم اسلحهها و آلات را ابزار کسوف جدیدی درلازمات آن هم نباید با ظهور خود تراوشات منفردی انداختند . وجود آبی یک کشور مقتدر و مردمان یک امپراطوری عظیم که فوهارواندی سال با کمال قدرت در سر زمین خسار و زندگی میکردند با برتاب سبی یوزن یک کیلو گرام میادند حکمرانی چندین سه ساله اشرا از تکف داده و زین و ذیل و سراسر افکنده گفته وضعه شرم آوردن تاریخ حیات برانتراندرهه افزوده زمانهای پیشین فتح و ظفر بهره کسانی میکشد که دارای دوزخوری سبی بودند و این اصل ایرانیان باستان به وزیر و فرزندان یکسرتش آتان ( کرد) کودکان خوشتر با نیزه اندازی و مسامحت قهرمانی و اسب سواری و جوگان بازی عادت داده تا بتواند در میدان کارزار با حریف زورمندشان دست و پاچه نرم کنند درینا در تمام مواردی که شیوه دین و ایجاد ادرا ترک نکند در جهان مت و نت. و یوزن و باسنامه های ملی رستم و سهراب میبایم غافل از اینکه با خواندن اشعار شاهنامه و بکار بردن متنش و غشیر و سوریستیونان ایزدیشوری ناک و زورمندی و شمه مرگ و زود و بیباید دتن جلو گیری کردی بر رویا به هرچه زودتر بکاروان تشدد و تامل و تکامل باختریان خود را رسانده و ازاین حال زبوی خود مدگی بیرون آیم ایتهم میکر نیست مگر با بالارین سطح معلوم ایتهم افکار نکرده و تشوین دانش و روحان و تبلیغ برای کسب معرفت و دانایی - حکومت ۶۰ ساله گذشته ظاهراً قدهای مؤثری بنظرو تعلیم و تربیت جوانان روی سیستم اروپایان

برداشت و شهرستان های ایران تکان عظیمی بخورد داده بنظریکه هر کدام به نسبتهای ۳ و ۲ و ۱ در صد جوانان ترا بدانستند کههای انسی و بزکشی قبول و مستثنی و دام پروری و فنی وغیره کسب داده مگر کردستان علی الخصوص سمنویان که به بیچوجه علاقه و تمایلی بفرهنگ نشان ندادند بد بختانه حالیه بزهرهین روی و اذیتال یوده کوچک ترین توجهی با آموزش و پرورش کودکان خوش نبینماید ایندو این اواخر بفرار استماع بدستور وزارت فرهنگ سه کلاس دبیرستان ستر که باخون جگر و مغایره صدها تنگراف بنفامات عالی کشور و تشبثات فروانیدایش باقیه بود بر اثر نداشتن آموزگار کلاسها متعل بدون اینکه ساکنین ستر عکس العملی نشان داده و یا لاقول در معطوبات عدم رضایت را از انبیل جنایت آمیز وزارت فرهنگ ایرازدارند بد بختانه سهل است که استکبارا نکردهند بیهنایت مسرور خوش حال شدند تا با کمال فرات تواته اطفال مصومشان را بشار کرد بر بازی و کاشفی و میوه فروشی و ناوای و دادارند انوس اینگونه بدوران چون در ذروای کوهستان های دوردست زندگی نوده و معنا و ماداً با محیط خارج ارتباط کامل نداشته و نادان آگه بیستنه مقام طپوهر تا چه اندازه بوده و کشور های مرتعی و مشمن برای از بداد و شرع و علم و ادب چگونه تفکری میباشند و روی سخن بنده با هنشربهای اوجمنه ستر قبا میباشه چون پیش در آن دواتروله و از هوای لطیف و آب گوارا و کوههای مرتفع و چنجه و انهای بیخوشتر استفاده نوده و تقریباً هیچده بهار هم را در آنجا گذرانده اما لفا تا گرمیز در درخت و بوئیای خوشبختی آن ها و چنین کله از کرا خود راه سپید شده و هزاران راه تواتر در سعادت و اقبال آنان یکوش این است بدون پروا کردی که میدان بر می بنده را تکسیر کرده و گفته غایب را بیچ و بی معنی میداند لیکن این بیه از آن باد ها شلر زبده یا کمال صراحت جامعه ستر را مقصد رسته کمال شتر اقبال غو بنده این فرزندان آن ها در چند سال فیکر براتر پیشرفت علم . بنام گردش و تفریح بگرات ماه و مشتری و مرغی و کسپکشان ها میروند خواهند امید مهربان و سر برستان آن ها چه اندازه بیهی کرده و هر تنگ خطاهای جبران ناپذیر گفته اند در انصورت علاج واقعه را قبلاً توقع نباید کرد اگر میخواهند مقصد را در جهان امروزی زیست کرده و از زیر فشار ظلم و شکنجه غالب ماسورین وظیفه شناسان زهائی باقیه و درینک ناکارانه اشرا رو بپایان و جاسوسان اسیر نباشند نفعی باید مبارزه با جوهر و افات و کهنه برستی و فساد و جابوسی و تلقار و پیشه باخته و آنگاه دست صمیمت و برادری و سترگی و محبت را بسایر برادران کرد دیگر کرده تا کردستان که چشم ایران عزیز است انتقادات در رخشان گذشته و چه بدو بریندانه بجناب هدف میمن و مقدس عزت میسر شود

### ظنی آفای آصف

بقیه از صفحه ۲

(صحیح است) من امیدوارم در انصورت ایرانیان اعم از چپ و راست مالکین و کشاورزان و کارفرما و کارگران از شاه کرته تا وزیر از وزیر تا دبیر با هم کار دارند و با تشریک مساهلی بدست خود خواهم توانست و سبایل زلفه خود فراهم آورده . شاید خدایا هم خواست ایران مثل پیش شد (صحیح است) در خانه این هرامیض شیلی میل داشتم چون دولت غم حضور دارن در اجمه به نوانسی کدر اصلاحات امور گردستان هست این جا عرض نمایم ولی فعلاً آنرا موکل میکنم بوقع دیگر چون این مکان مکان مقدس است از بارگاه احادیث استثناء نمینماید مارا موفق بداند بچهران مدت گذشته در این عمر کوهانی که از دوره چهاردهم باقی مانده با مساحت این دولت قدمهای سربینی بنفع جامعه برداریم (صحیح است) و یک عملیاتی از طرف دولت برای این مردم بشود که باعث سربلندی خودشان و رضایت مجلس شورای ایلی گردد.

(صحیح است) موکلین ما و هم مهربان عزیز ما پس از این همه ونج و مصائب یک روز روزی روشن بینینو یک اشتراکی در زمانه خود مشاهده کنشد و طوری باشد که روز آخر دوره چهاردهم تقنینیه با قتل حنفدلی با یکیشایی بلتند و از اینجاس خارج بشویم از من دعوا از قبل ملانکه آمین (صحیح است)

یکی از خواننده گان ماکه حتم اسامی خود را مرقوم نداشته چند عبارت ذیل را در بابا کنی گذاشته و ارسال داشته و اسرار زیادی هم نبوده که متبادر کنییم چون نظر خصومی در میان نیست بامید این که واقعا نوشته صحیح باشد چاپ میکنیم.

### آئوری ز ناچاید

یکی از فرزندان نامی و جگر کوهستان ستر آفای محمد قاسم آئوری است . اگر زمانه ستیکار و بیدارگر نبی خود بود شایسته نماندگی بود.

آئوری اگر تنگوبخت نبی بود از کسان است که میتوانه دردهای اجتمعی را فوا نماید . سیاست زندگی آئوری را مساعد دیگران و بیگانه پرست با آوری آوده است .

انوی علاقه معصومی بنام کوهستان دارد و از توقیف آن قلباً بسیار متأسف و متذربود .

آنگه آئوری را نوع دیگر بحضرت عالی معرفی نوده شخص بی تجربه و ظاهر برستی بوده است .

### آصفی حصورات

تاریخ ۱۳۲۴/۷/۱۶ با زهر (سواد بادام) باستاند بیکرک گواهینامه و درواشت شانسانه دادخواست بشماوه ۱۱۱۱/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم معدعلی فرزند جرافعلی در تاریخ ۱۳۲۲ در تهران جایگاه همیشگی خود وفات یافته و متقاضیه مادر و آتشی مهدی بسرویا و بتول زوج دایمی متوفی و وراثت منحصراً سببشانه سوزاشدین کوهی کوهان هاراب سنوب متوالی مامی یکبار در روزنامه رسمی کشور خداهشاه روزانه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و بیودن متضررین حسب تقاضا اقدام خواهنده و نیز آگهی سببشانه از متوفی داد و در ظرف مدت مزبور ایراز و الاوهه میباشند تیز از رسمی و سری ایراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس دادگاههای بخش تهران - احمد زین لعل ۳-۲



بزم آفای ت. اهیتان

چوانمردی ۹۰۰



این لغت يك صفت بخصوص رامنری  
نی كند . بردی میتوان كلفه جوانمرد  
اطلاق كرد كه اقامت صفت ، سخاوت -  
غیرت - عدالت و انصاف را علاوه عطفه  
وجودان دارا باشد . نویسنده مستكریبست  
كه یا اصطلافاً معانی و روح و سرایت ذرا بیل  
و بیشرت مادیات و اول متویبات اكنون  
جو امر در بنام منی ماموم ندارد و چون  
سینغ و کیسی شود بلكه منائر از آنم  
اگر اشعاشی پیدا شوند كه نظری بنا  
اكسانی افلا در ایامه صفت از صفات نامروده  
بالا را داشته باشند . بدینصاه چنان در  
گرداب رسوم آدابیه منی سیاسیست  
فایده اجتماع وزندگی فراز میگردد  
بجوید شود صفت نامروده آن نامرود  
و منتقن میگردد . حالاست كه جمعی  
از خوانندگان محترم اعتراض نمایند  
كه چگونه ممكن است صفت نيك دهر  
موقع و آن باهمرود و زمان امكان ظهور  
بروزش نامرود باشد و در نتیجه در اشعاش  
غاموش و غفه شود .

در باصغ مرض میداره ، كدام فرد  
است كه امروز نسبی از دارائی خودرا  
به امور غیره وا كند و نورامرد  
فلا در دوروديك شود و نگویته این  
غیرورمان منتفی اینگونه بزل و بخش  
ها نیست و . . . كدام شخصی است كه  
بنام غیرت از اعمال منافی عفت تلافی خانه  
معرفه حسابش چو گیری نماید كثر  
كسی را سراغ داربد كه عدالت و تقاضای  
را بنام منی اجرا نوده باشد و منی  
محصور زور - مطنه - ملاحت فوشاش و نهی  
طمع - و غیره شده باشد .

روی این زمینه استكه باید كلف  
منتضیات و سیاست مشوم زندگی در  
دیای حاضر غالباً مانع زوداع تضایب و  
جوانمردی شده است در قدیم ایلام جوان  
مردان را در ممالك مختلفه با باقی می  
نمیدند . در میان طایفه عوام ایران برای  
مهرنی این افعاشی كلفه و داشمشدی  
استعمال میگردد و سخاوت میتوان كفت كه این  
اشعاشی بیاس این القاب دارائی صفات  
بارزی بوده اند . مثلا همیشه عامی صفا ،  
منو قبال اغنیا میشده و چون لك کسی را  
میخوردند نیکمان نمی كشتند و همیشه  
در خرید خود ساهی بودند كه کسی چشم  
خجانت و جنایت بنوامیس کسی نگاه كند  
اگر سر و مناش مهرنی داشتند مستكبری  
بنوا بیابارا میگردد ، در غفو و اغفاش ید  
طولانی داشته .

اكنون آن القاب و جوانمردی به  
مأموم سابق متروك گردیده تمدن جلی آن  
را گرفته و داش مندی متدین شده بنا

قدردانی

از اشوبه

فرهنگ استان ۴ - رونوشت روز -  
نامه کیوان و نوشت روزنامه كوهستان  
در این مدت پنج سال كه آفای حسن مدرس  
به نمایندگی فرهنگ اشوبه مبین شده بود  
از حسن اخلاق و رفتار و خدمات برجسته او  
كه در پیشرفت و اجزای فرهنگ این بخش  
بمحل آورده اهالی اشوبه تماما شكرتار  
صمیمانه خودرا باذوق محترم فرهنگ استان  
عز و از انتعاب چنین كارمندی جمدی عرض  
مینمایند .

فلا در اشوبه ها عین است كه نامروده  
بملت عدم توجه اولیای امور در اذیاد  
خوششان كه بدرستی تكافی هزینه اعاشه  
ایشان را نینكند تقاضای انتقال بسپاهاد  
شعشی قایل و واجد شرایطی كه رفتار  
و ادبش از اعلاض منتضیات مصل دومروده  
كوتنجه و جود و تحسین است از فرهنگ اشوبه  
به مهاباد منتقل گردید .

لذا از اولیای امور تقاضا مینمایم  
كه نيك و از اید تشعشع داده و نظیر چنین  
مامورینی را در میان كارمندان شناخته و  
همیشه مورد تقدير قرار دهند .

فلا در صورتيكه انتقال آفای محترم مدرس  
حقیقت پیدا كند عموم اهالی اشوبه منائر  
و از اداره محترم فرهنگ استان و تقاضای  
اعرام ماموری را داروم كسه نظیر آقای  
مدرس باشد نامرهمون و سپاسگزار اداره  
محترم فرهنگ استان و بوفه و باقیم .  
محمد امین بادی - احمد امان - صادق  
هاشیمان - محمد كردا - جعفر زوزا -  
سلطان فرخ زاده - رحمن زوزا - کریم  
رحمانیان - حاجی جلیل براؤ - رحمن بادی  
حیدادش - ابراهیم سلیمان - محمد کریم

بر این هر کسی كه مدعی تمدن است خود  
را در صوفی تمدن بدین بشار میآورد افلا  
باید دارای سه صفت منسوخ جوانمردان  
باشو حقیقت و معرفت و برهان آدمیت  
بیز بر این است . داشتن این صفات و بكار  
بردن آن بیروی از احكام دین مبین اسلام  
هم می باشد بنا بر این كسانيكه متدین  
واقعی تمدن یا این تعریف نیز برای  
آن ها اشكال ندارد و از آنان منتفك  
نیست .

وای بر احوال کسی كه بگلی خودرا  
از دایره تمدن یا تمدن خارج سازد زیرا  
چنین فردی كه فاقد صفات حسنه بالا باشد  
بطور خلاصه از انتعاب آدمیت نیز مفعول  
میشود .

كوشش كنیبه با نگاهداری و تقویت  
فدو الا صفت نامروده بالا هم متدین وهم  
متدین باشید .

اولین نشریه  
الفبای آسان

کتاب الفبای آسان به انتشار یافتن کتاب كه بقطع كوچك  
ولی بمنا بزرگ است در ۶ صفحه چاپ شده .  
آفای آزاد مراخی بر آن دیوانه و نگاشته اند كه مابین  
الفبای فعلی و ایرانی خوانندگان تشریح نمود و محسناات الفبای آسان  
را نیز خاطر نشان کرده اند برای كسانيكه علاقمند به پاسود شدن  
هم وطنان باشند داشتن بنگله از آن كه فقط پنج ریال بهایش دارد در  
شوروی است در صنعت آخربان كتاب حروف تعاب شده «الفبای  
آسان» را میشو ان بساات و در با زده ۶ صفحه آخر عبارات  
متعلقه است كه با هر دوخط چاپ شده و با مطالعه آن هر كره  
اشكال و اشباه بر تفع خواهد شد .

كسانيكه بخواهند خدمت مفیدی بایران و ایرانی بنمایند از  
خواندن این كتاب و كوشش در یاد دادن الفبای آسان بهم میبازن باید  
مضایقه نمایند .

الفبای آسان

ص	س	ز	ا
ش	ت	ب	پ
ط	ث	ج	چ
او	ان	ل	ن
و	و	م	ن
خ	خ	ن	ن
ی	ی	و	ز
ط	ش	پ	ف
ه	ن	غ	ق
	ر	ح	ر

مترجم: م. م. م.  
مترجم: م. م. م.  
مترجم: م. م. م.

علاقت حذف برای حفظ و بسایابیدن اصل مانند  
(کین جهان ineahān 'k' aztozto 'k')

برای استحضار اهالی محترم سقز

متمنی است آقایان مترجمین محترم نامه كوهستان برای  
روشن شدن وضعت محاسبه شود و همچنین برداشت وجوه اشتراك  
در اسرع وقت بدقت نمایندگنی واقع در سرای اتحاد مزاجه  
فرماید .  
نماینده نامه كوهستان - كلاهی

بلی كلیفك تهران

بلی كلیفك تهران كه دارای بخش های مختلف پزشکی است  
تحت نظر آقایان دكتر عبدالحمین اردلان دكتر هوشنگ علی و  
دكتر جهانگیر جهانشاد اداره میشود .  
آدرس تهران خیابان سوم اسفند اوقات پذیرائی صبح و  
عصر .

محل اداره: خیابان پهلوی روبروی كوچه  
هریضخانه و زیری تلقین ۸۳۳۹

چاپخانه وزارت كشور

تلفن ۴۷۸۷

# کوهستان

اثر طبع سرشار آفتاب عینتی هشوار

## رود بر کردستان

ایا فرشته بی نیک کرامی رادبو طهران  
 دروازمی رسان بر خاک مشک آکین کردستان  
 درود خالص وینش بر آن بوم بردلکش  
 بگو بودشت میوش بگردستان واهل آن  
 درودشاری مهجور از شهود باز خود  
 که باشد توبیای بدبوی خاک آن سامان  
 وز آن پس باز کوی آن زاد بوم باکران  
 که ای مهر توام در دل چنان کایسته باجان  
 ز انکارت شکست انگیز گنتاری بودشاج  
 ز ماتم کراف امیر آبتیاری شود عنوان  
 گهی دربار تو را از خایه رادبو پاریس  
 گهی یافته مطبوعات خارج با دو هذیان  
 هیکویته کنز بیاد عسالت ستم پیشه  
 سئویدی و ز ایزد ایران شمی و بسور و گردان  
 همی گویند کافور سر را افتاده سوادی  
 خدا کرد خود آرزو مغر کشتی از ایران  
 بدل میل جدائی داری ازوی تیار خود  
 پس شور سوای پروری از کوره ساسان  
 هوسران ترا رهبر با استقلال میباشند  
 توی اینسته شک از و روی در این میدان  
 مرا هرگز گمان نبود چنین ایدتها از تو  
 مذاقته چنین آسانه باشد تهمت و پنهان  
 کرایسته نظور ایبکیگان خوانده خود مدانی  
 که آسانه دهر کار سود خویش را خواهان  
 من این باور ندارم هرگز از تو کارا ل بودی  
 بنای فری و منجد ایران را بی وینیان  
 تو و ایران زیک جسدی و جان وین عجب باشد  
 اگر کرددوری اطلاق بریک پیکروی کلان  
 ترا میل جداگشتن از ایران خود بدان ماند  
 چون در دایت صوری بطنع آن دهی فرمان  
 تومید زده است و منشاء دین بی بودی  
 تو بودی پرور عکله زاد خالص آریان  
 تو بودی پیش تازنده ایران تالاب سیحون  
 توبودی پرچم افرازان کیم در معرود درونان  
 تو بودی مرز ایران و راست باختر حافظ  
 تو استقلال ایران را ضامن بودی و بنایشان  
 ذییم تیغ بران تو سودی شور یاد بودی  
 بیای ساره شاپور نام تو سر خلان  
 درخش با شاه ایران شایع های سیز گسترده  
 تو آن شای که سرافراشتی ز خیر بر کیوان  
 بودی سیز و غم شایع تا بیوست باصل است  
 جدا چون کشتار اصل او فتنه در گنج هیزم دان  
 تو از ایران سرافرازی و ایران از تو انوار  
 توی ایران و ایران تست این مضمی مسلم دان  
 برغم دشمنان امال کردستانیان اینست  
 که دام مشور لایتنک ایران باد کردستان  
 همه آکراد و ورد زبان هفتابراین باشد  
 که ایران زنده و پاینده باد و شاد و جاویدان

بلم آتای کلاهی ساینده نامه کوهستان در سفر

## باید قدری بیدار بود

آنان خجالت دارم و باز خجلم از اینکه  
 بگویم بادش خدمات آنان معالمت از  
 خدمت شده است.  
 ولی برای جلب توجه اولیای امور  
 معضرا باین موضوع اشاره ای نسوده  
 عموما انتظار دارند که با متمسک بودن  
 آن در ناه کوهستان بلکه این بیچارگان  
 حقون از دست رفته خود را مجدد بدست  
 آورند.

**کوهستان** - از جریبان بازرسی در  
 قسمت غله سفر اداره روزنامه، اطلاعات  
 کلاهی و کاملی دارد قبل از وصول گزارش  
 ساینده کی سفر هم توجه اولیای اداره کل  
 غله باین موضوع جلب شده بود و موضوع  
 بازرسی غله سفر هم کلا مورد توجه قرار  
 گرفته بود و اقداماتی هم بسیاری تنبیه  
 منطعلین و متعللین بعمل آمده اما راجع  
 بازرسی غله سفر مورد بحث که بیجهت از کار  
 بر کنار شده بودند دستور سرچین و آرا  
 داده شده که احکام مجدد آنان صادر و  
 بعدت پذیرفته شوند.

بنا بر این لازمست صوم مردم توجه  
 باشند که میتوان جلوگیری کرد از اینکه  
 حق کسی باطل شود ولی شرط عمده  
 همکاری عمومی است یعنی اول مرتکب  
 بخوانند که از آنها رشوه گرفته نشود  
 بخوانند که دزد تنبیه شود بخوانند که  
 قانون اجرا شود و تنبیه این نکردار داشته  
 کلیه اعمال غیر قانونی را که روی میدهد  
 باید بپوشند و جدا از اولیای امور بخوانند  
 و مقتضای همکاری کنند قطعا به نتیجه میرسد  
 والا چگونه ممکن است دست دزد را  
 کوتاه کرد اگر مردم چیزی نگویند شکایت  
 نکنند و یا باالسک تریف نکنند پس بنابر  
 را خود مردم ایجاب میکنند.

اقدامات فوق الذکر ای بودار اینکه  
 میشود دود را تمبید کرد و میشود حق از  
 دست رفته را پس گرفت حالا اگر بخواهیم  
 اوضاع شما در روهیبو بود باید همکاری  
 کنید آیم همکاری میباشند. اطمینان داشته  
 باشید اگر علاقه مایلان اوضاع خود دارند  
 باشید خیلی زود میشود شرایط را جبران  
 نمود خیلی باسانی میتوان اوضاع فراهم  
 کرد که مردم برایشان زنده کی کنند کسی  
 با آنها نتواند تمبیلی بکنند ولی هر ط  
**اساسی این است که مردم دم بزنند**  
**نه اینکه بخواهند**

پس از انواع شهر بیورو عطف توجه  
 خاص دولت آرامش و امنیت در سراسر  
 منطقه سفر سکنفرما شد بای مامورین  
 کشوری باشد و برای این نمودن مالو  
 چپاول مردم فرصتی بدست آوردند در  
 مقابل تمام عملیات منقبت بر سانه آنها  
 هیچیک از اهالی رنج دیده این منطقه  
 مقاومتی نکردند آنها میدان مناسبی برای  
 ناخوش و ناز بدست آورده بودند اولین  
 پایه سازمانهای دارایی و اقتصادی که  
 نقطه حساس و منبع هر گونه فساد و مخزن  
 دزدی است گذاشته شد از مامورین معمل  
 و غیر معملی ادارات تشکیل شد انجام  
 وظیفه شروع گردید.

میلونها تومان نقد - شکر - جای-  
 قماش - تریاک - اوراق بها دار - وجه نقد  
 برای خرید غله و توتون از طرف دولت  
 بدون حساب و کتابی در این منطقه ریخته  
 شد - چرب زبانان و تیز نویسان بازو گذاشتند  
 و هر یک با تشریح مساهی بیکدیگر همتی  
 آورده آنچه نقدی بود تیار کردند - میلیونها  
 ریال مال دولت و ملت بیچاره و از روی  
 صادرات و واردات یک قسمت دفاتر چاپی  
 تهیه چند برك صورت مجلس - مورد تیش  
 اتیارها - توافق با مودیان مالیاتی و تهمیدی  
 غله - رای کیسیون - صدور پرشنامه -  
 صدور کوپن - توزیع کالا - خرید غله و  
 توتون - فروش تریاک - اخذ سوخته از

مندان و ارسال دود جیرا ج بر کربجایی  
 آن - اصناف با ندرل های تالی - اجاره  
 فروش مرق قاقان و غیره و غیره بندر  
 بیبب زنده و عمه ای از منتقلین و گرفت  
 کفتها کادری گرفتند عبارت مقتضیات  
**محل ایجاب میکنند** کاری کرد که  
 باین حسابها رسیدگی نبیند - بازرسی از  
 مرکز اهزام نیگبست - مامورین صالح  
 حکمتر حاضر بودند باین منطقه بیاندنا  
 اینکه کالبه بولها بصرف رسید و مرام و  
 مقصود تاین گردید.

در این اواخر بر اثر آزارش منطقه  
 به گراخات اخیر همه ای از مامورین  
 یادگمان که همواره تحت تاثیر دولتند  
 بودند و خون دل میخوردند و بنه گرات  
 ذرات های محرمات خود را بنظر اولیای  
 امور مرکزی میسپارند - تریا تیر داده  
 شد و بازرسی اهزام گردید - سعادت آنان  
 محرز بود و نه با همه تشکیلات - از خندان  
 بعد کافی بوسله دادگاه سامان اخذ گردید  
 و مجدد بکار های خود ایضا مشغولند.

گزارش دهنده گمان میدادش و ترفیع  
 مقام مناسفانه روی اصل اقدامات متقلین  
 پس از یک دوره سر گردانی و استیصال  
 در مرکز شهرستان سنندج از خدمت معاف  
 شدند.  
 نکارنده که بوضع کار مندان مسود  
 بحث آشنا هستم از شرح استیصال و پریشانی

فرماندهی لشکر کردستان شانشاس  
 ذیل تأمین داده و بسکن خود عودت  
 نموده اند.  
 محمود کافی سانانی و پسرانش -  
 محمد علی تلی - محمود شامانی - مظفر  
 زلای - محمد شریف و محمد رفیع  
 آلتا.